



جبهه ملی

امید ملت

شماره ۸۶، سال هشتم - دی ماه ۱۳۹۰ برابر با ماه ژانویه ۲۰۱۲

نشریه برونمرزی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

فدرالیسم سبز و نو هم به بازار آمد

حسن بهنگر

به نقل از: iranliberal.com

آقای اسماعیل نوری علا مدتی است در جهان مجازی ظهور کرده و ظاهراً برای هر مساله و مشکلی نسخه ای در جیب دارد و انگشت تدبیرش برای حل هر معضل سیاسی در گردش است تا گرهی بگشاید. مطالب هفتگی اش توسط یاوران اینترنتی هر هفته به دست همه می رسد و می بینیم. در این راستاست که برای حل اختلافات سیاسی به فکرش رسیده که آقای رضا پهلوی را به عنوان نخ شاکله معرفی کند، سکولاریسم را به اقتضای روز نو کند و بعد رنگ سبز بزند و برای رفع نگرانی آن دسته از مردم که از انقلاب و براندازی وحشت دارند کلمه انحلال را عرضه کند. او حتی برای سیاست گریزان هم نیز چاره ای اندیشیده و با وجود برپا کردن انواع کنفرانس ها و خطابه ها و گردهمایی ها گفته که جمعی که راه انداخته سیاسی نیست! این روش کار شاید از بابت تبلیغاتی و در کوتاه مدت جوابگوی مقاصد نوری علا باشد ولی از دیدگاه سیاسی و برای رهایی میهن کارساز نیست. دایم حرف مبهم و دو پهلو و متناقض زدن شاید عده ای کوچک را برای مدتی به سوی گوینده جلب کند و دست او را برای تفسیر به اقتضای موقع باز بگذارد اما در نهایت باعث تشتت فکری می شود و مردم را نسبت به کار سیاسی بدبین می کند.

بقیه در ص ۳

کشتن فرزندان دانشمند یک ملت، جنایت علیه بشریت است

آن ترسوهایی که مبارزه با سیاست خارجی غلط یک کشور را با کشتن دانشمندان آن کشور انجام می دهند با فرقه های تروریستی همچون القاعده چه تفاوتی دارند؟ آیا هوشمندی آنها هم در همان حد است؟

آنها که دانشمندان آلمانی را در مصر کشتند، آنها که ده ها دانشمند پاکستانی را کشتند تا پاکستان به بمب اتمی دست نیابد، و آنها که ده ها دانشمند عراقی را کشتند تا به برنامه های تکنولوژیک عراق ضربه بزنند، اکنون دانشمندان ما را هدف گرفته اند.

دانشمندان ما سیاستگذار نیستند، آنها خدمتگذار کشور هستند. آنها مانند هر دانشمند دیگری در هر کجای جهان در راستای دانش و حرفه خود به ملت خود خدمت می کنند. دانشمندان، نه تنها ثروت ملی که ثروت جهانی هستند و باید حرمت اهمیت آنان در جامعه جهانی حفظ شود. همانگونه که شما موشک اندازی کور را محکوم می کنید، چون مردم بیگناه و بی دفاع را آسیب می زند، و بمبگذاری های تروریستی که مردم بیگناه را قتل عام می کند محکوم می کنید، چگونه قتل جوانان دانشمند ما را توجیه می کنید؟ مردانگی آنست که از تاریکخانه خود برون آید و شمشیرتان را برای جنایتکاران و دشمنان واقعی بشریت برکشید.

ملت ایران با تمدن کهن و انسان دوستانه خود همیشه به دوستی و همزیستی با مردم جهان اندیشیده و حتی دشمنان بی تمدن و غارتگر خود را با فرهنگ والای خود رام و متمدن کرده است. شما که ملت ما را هدف گرفته اید بجز نیکی از ملت ایران چه دیده اید. شما هر که هستید، نماینده راستین ملت شریف خود نیستید. به آینده بیاندیشید. شما بخوبی می دانید که ملت ایران حافظه ای تاریخی دارد و نخواهد توانست این رفتار وحشیانه شما را فراموش کند.

۲۷ دی ۱۳۹۰، شورای مرکزی جبهه ملی ایران

در این شماره می خوانید:

- کشتن فرزندان دانشمند یک ملت، جنایت علیه بشریت است
شورای مرکزی جبهه ملی ایران
- فدرالیسم سبز و نو هم به بازار آمد
حسن بهنگر
- نظام سیاسی - اداری کارآمد ...
کاظم ایزدی
- ابراهیم یزدی به زندان محکوم شد
- خبرهای داخلی و ورزشی
- پیشنهاد جدایی اسکاتلند از انگلستان
- گلی زیباتر از ایران ندیدم
سروده ای از: گروه ندای گلها

جبهه ملی نگاهبان برابری همه اقوام، ادیان و مذاهب ایران است

ابراهیم یزدی به زندان محکوم شد

ابراهیم یزدی که پس از درگذشت مهندس مهدی بازرگان به دبیری جمعیت نهضت آزادی برگزیده شد، توسط دادگاه انقلاب اسلامی به هشت سال زندان و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد.

اینکه چرا با وجود چهره های شناخته شده ای مانند مهندس هاشم صباغیان، مهندس علی اکبر معین فر و مهندس عزت الله سبحانی، یزدی به دبیری نهضت آزادی منصوب شد، هنوز روشن نیست.

ابراهیم یزدی چند سال پیش در رابطه با جریان «شرکت جامعه» در شرایطی که در آمریکا بسر می برد، به دادگاه انقلاب احضار شد ولی از آمدن به ایران و معرفی خود به دادگاه خودداری کرد. او تنها هنگامی به ایران بازگشت که تضمین های لازم پشت پرده برای عدم بازداشتش بعمل آمده بود.

ابراهیم یزدی پس از رویدادهای اخیر تونس و پیروزی جریان های اسلامی در این کشور، در نامه ای به رهبر اسلامی تونس، به او توصیه کرد که از انقلاب اسلامی درس بگیرد و اشتباهات ایران را تکرار نکند!

پیرامون نقش ابراهیم یزدی در از میان بردن ارتش قدرتمند ایران بسیار گفته و نوشته شده است.

دکتر کریم سنجایی نخستین وزیر خارجه دولت موقت می گوید: «با وجود آنکه من وزیر خارجه بودم، یزدی با سفیران دولت های خارج در کاخ نخست وزیری دیدار و ملاقات می کرد. او داماد خود را بدون اطلاع و اجازه وزیر خارجه به سفارت ایران در آمریکا گماشته بود. متأسفانه از سوی دولت آمریکا به این عمل غیر قانونی و خلاف عرف بین المللی اعتراضی صورت نگرفت.»

یادآور می شویم که داماد ابراهیم یزدی کسی بود که در مصاحبه با روزنامه السیاسه چاپ کویت گفته بود که دولت ایران از حاکمیت خود بر جزایر سه گانه چشم پوشی می کند، که توسط دکتر کریم سنجایی تکذیب شد.

کمتر از دو ماه پس از انقلاب اسلامی، دکتر کریم سنجایی دبیر جبهه ملی ایران در نامه ای خطاب به مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت اعلام کرد: «نظر به اینکه در شرایط کنونی، پیشرفت امور میسر نیست و با توجه به مسئولیت مشترک وزیران در کلیه امور کشور ادامه خدمت برای اینجانب غیر مقدور است، بدینوسیله استعفاي خود را اعلام می دارم.» سپهبد آذربرزین، فرمانده نیروی هوایی بعد از انقلاب اسلامی، در مورد نقش ابراهیم یزدی در نابودی ارتش ایران در خاطرات خود آورده است:

«یزدی میلیاردها دلار خسارت به ایران وارد کرد.» «یزدی اقدام به نابودی ارتش ایران نمود.»

«یزدی به عنوان وزیر خارجه - پس از استعفاي دکتر سنجایی - بدون آنکه نظر نخست وزیر را بگیرد مصاحبه های مطبوعاتی انجام می داد.»

«یزدی در اولین روزهای پس از انقلاب، سفارت ایران در واشنگتن را توسط عوامل وابسته به خود تصرف کرد و روی نقدینه ها و حساب های سفارت دست گذارد و اسناد مهم را از سفارت خارج نمود.»

«یزدی با تیمسار قرنی که تصمیم داشت از نابودی ارتش جلوگیری کند درگیر شد.»

نکته قابل توجه آنه تیمسار قرنی پیش از انجام عمل جراحی - پس از تیراندازی ای که به سوی او شد که توسط گروه «فرقان» نسبت داده شد - گفته بود اگر من سالم از اتاق عمل بیرون نیامدم بدانید ابراهیم یزدی باعث مرگ من شده است.

کاظم ایزدی

جامعه شناس، استاد سابق دانشگاه تهران

نظام سیاسی - اداری کارآمد و متناسب با دموکراسی در ایران

از آنجا که بحث تمرکز و عدم تمرکز و نظام فدراتیو موضوع مهم روز است، نوشته دکتر کاظم ایزدی را در این شماره و شماره آینده ملاحظه خواهید نمود.

مقدمه

در مقاله «تأملی بر ساختار کالبدی ملی ایران» در یک نگاه تطبیقی به پیش و پس انقلاب، ساختار کالبدی ملی جامعه و نظام بیچیده شهری و چگونگی تعادل و توازن، فقر و محرومیت های برخی مناطق و بی آمدهای آن را، به طور بسیار فشرده بازشکافی و ملاحظه کردیم که بر پایه آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران کمی بیش از ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت کشور هنوز جوان است (میانگین سن ۲۸ سال)، ۷۰ درصد این جمعیت شهرنشین و ۸۵ درصد از افراد ۶ سال به بالا باسوادند. سطح دانش و بینش مردم جامعه، به ویژه زنان به طور چشمگیری بسط پیدا کرده و با مردان تقریباً برابر شده است. همچنین دیدیم که فعالیت اجتماعی زنان برای کسب حقوق انسانی - اجتماعی و مشارکت شان در امور جامعه به خوبی شتاب گرفته است. بالاخره با وضع اسفبار کشاورزی و صنعت در جامعه، عدم تعادل و توازن در نظام شهری، پس ماندگی ها، محرومیت ها، فقر و کمبود منابع درآمدی و نیروی انسانی ماهر و کارآمد در برخی مناطق، مهاجرت های احتمالاً ناخواسته و بدون برنامه، به ویژه برون استانی و اختلاط و امتزاج اقوام ساکن در این سرزمین پهناور ثروتمند آشنا شدیم.

نشانه هایی از به وجود آمدن خرد و درایت و اقتدار جمعی و تبدیل روابط عمودی حاکم بر جامعه به روابط افقی، حتی در خانواده های سنتی به روشنی مشاهده می شود. هنجارهای اجتماعی و ارزش های بازدارنده رشد و توسعه جامعه مانند روابط افراد با یکدیگر که اصل را بر بی اعتمادی می گذارد و ذات انسان را شرور می داند، متکی به غیر است و یا به گذشته و زمان حال نگاه می کند و کمتر آینده نگر است، اعتقاد به قضا و قدر، تقدیر و سرنوشت دارد و... در حال دگرگون شدن است. برای اطلاع بیشتر به اصل مقاله آمده در بلوگ شخصی نویسنده رجوع شود.

حال این پرسش اساسی مطرح می شود که در این ملک مُشاع که کلیه ساکنان آن، بدون توجه به جنسیت، قومیت، زبان یا گویشی که دارند در دارائی های عمومی، منابع عظیم زیر زمینی و به طور کلی آب و خاک آن حق حاکمیت مشترک دارند، در جامعه ای با این ساختار کالبدی منطقی است چه نوع نظام سیاسی - اداری مستقر شود، چه رویه و ساز و کارهایی باید برگزیده شود تا حکومت مردمی استقرار یابد و آزادی های اندیشه، بیان، قلم، مذهب و سایر حقوق

فدرالیسم سبز و نو هم به بازار آمد

بقیه از ص ۱

او اخیراً در راستای ترس درمانی مردم با نوشتن مقاله ای در باره فدرالیسم و با تذکر این که عده ای مثل جن از بسم الله از کلمه فدرالیسم می ترسند ولی ایشان نمی ترسد، باز همان مغلظه های معمولش را به کار گرفته.

او در مقاله ای بنام «وظیفه تاریخی احزاب» می نویسد: «ملیت را بجای مفهوم sub-nation گذاشته اند .. و حق آن بوده که آن مفهوم فرنگی را بجای «ملیت» به واژه هائی همچون «خرده ملت» و نظایر آن ترجمه می کردند» و افزوده که: «بنا بر تعریف سازمان ملل، هر جمعیتی از یک کشور که بخش هائی از آن را جدا کرده و به کشورهای دیگر داده باشند، در داخل ملت خود یک «ملیت» محسوب می شود.» البته حضرتش خود را بی نیاز از ارجاع و رفرانس دیده. من که هر چه گشتم جز تأکید سازمان ملل بر حاکمیت دولت ها و تمامیت ارضی کشورها چیز دیگری ندیدم.

به عقیده من این سخن درست نیست. در عرف سیاسی ملت عبارتست از کلیه اتباع کشور - دولت صرف نظر از کثرت یا وحدت اقوام آن. هر یک از شهروندان در داخل کشور افزون بر هویت قومی، یک هویت ملی دارد که به دولت وابسته است. اوراق هویت او برگ تابعیت اوست که در آن «ملیت» او ثبت شده است. ملت با متمایز شدن و فرارفتن از قوم، واحدی سیاسی پدید می آورد؛ بنا بر این تعریف، شما از قوم می توانید به ملت بیابید ولی از ملت به قوم نمی توانید بروید. از این حکایت خرده ملت جز جداسری چه چیزی بیرون میاید؟ (۱) البته کوشش در تعریف صحیح هر مقوله سیاسی و اجتماعی کار بجایی است اما تعریف باید کارشناسانه و تا آنجا که به سیاست مربوط است، مسئولانه باشد که در این مورد هیچکدام نیست.

برخلاف تصور نوری علا این عامل ترس نبوده است که نویسندگان و صاحب نظران را از تبلیغ فدرالیسم باز داشته، بلکه مطالعه تاریخ ایران و ملاحظاتی جغرافیایی و موقعیت خطیر سیاسی و از همه مهم تر مشکل زا بودن خود فدرالیسم وعدم کارایی آن موجب اصلی بوده. نمونه بارز آن چندین سال پیش، در همان زمانی واقع شد که ایشان اعلامیه تشویق آمیز ضد امپریالیستی خمینی را امضا می کردند. سازمان سوسیالیست های ایران طرحی برای فدرالیسم عرضه کرد ولی پس از بهتر سنجیدن قضیه، با کمال انصاف و شجاعت آن را پس گرفت.

استدلال بسیاری، از جمله نوری علا برای طرح پیشنهاد فدرالیسم، پاس داشتن آزادی ها و عدم تمرکز است. ایشان در این میان و برای این که مو هم لای درز استدلالش نرود هیتلر را مثال آورده که مخالف فدرالیسم بوده! پس لابد هر که با فدرالیسم مخالف باشد به راه هیتلر می رود! به جای این قبیل شعارهای سهل و کم محتوا باید مطلب را درست سنجید.

اولاً وجود دولت مترادف تمرکز قدرت سیاسی است و جایی که هیچ تمرکزی نباشد اصلاً از دولت نمی توان صحبت کرد. آنچه منشأ خطر است تمرکز بیش از حد و نیز بی مرزی اختیارات دولت است. وگرنه صرف تمرکز قدرت دولت تبیینی با وجود حريم خصوصی و تفاوت های تاریخی و

همزیستی فرهنگ ها و غیره ندارد. همه حکومت های ملی خواستار یگانگی و وحدت ملی هستند، نکته این است که وحدت را نباید مترادف حذف همه ی تفاوت ها فرض کرد.

مشکل از اینجا زاده می شود که قدرت متمرکز می تواند به آزادی شهروندان دست درازی کند. ولی آیا فدرالیسم چاره این مشکل است؟

به تصور من خیر. مشکل سیاست مدرن روبرو بودن فرد است با قدرت دولت و برای حفظ آزادی باید موقعیت فرد و استقلال وی را تقویت کرد ولی فدرالیسم موقعیت اقوام را تقویت می کند نه افراد را. البته اقوام هم حقوقی دارند و نباید از این حقوق محروم شوند ولی برای حفظ آزادی فرد در دمکراسی باید در درجه اول گروه هایی را تقویت نمود که عضویت در آنها اختیاری است و خروج از آنها هم آزاد است، یعنی گروه های دمکراتیک را. قوم گروهی است که اعتبار خود را دارد ولی حائز هیچکدام این دو شرط نیست. فدرالیسم قدرت دولت را محدود می کند ولی به نفع گروه قومی نه افراد جامعه. آزادی مستلزم استفاده درست از حاکمیت ملی است نه حذف آن یا تقسیمش بین قطب های مختلفی که می توانند آزادی فرد را خدشه دار کنند و جوابی هم به کسی ندهند.

فدرالیسم حلال این مشکلات نیست و با آوردن فدرالیسم دنیا گلستان نخواهد شد. کافی است نگاهی به کشورهای فدرال و اختلافات داخلی آنان بکنیم. شگفت آنست که خود نوری علا از «اقلیم» کردستان عراق صحبت می کند و آنرا مثال می آورد. در حالیکه می بینیم وضع آن کشور چگونه است، معاون نخست وزیرش که به این اقلیم گریخته از دادن حساب به حکومت مرکزی سر باز میزند. گذشته از این وی به مورد بلوچستان پاکستان نیز اشاره می کند که خود بیانگر بدتر شدن اوضاع در این مناطق است و این که فدرالیسم نتوانسته به مشکلات مردم پاسخ بدهد. تصور اینست که اسماعیل نوری علا تهور بیش از اندازه بخرج داده، بدون توجه به این که هر نوع فدرالیسمی در ایران تبدیل به فدرالیسم قومی خواهد شد و مرزبندی فدرالیسم قومی در عمل پاکسازی قومی را به دنبال می آورد و موجب جنگ و خونریزی بسیاری خواهد شد.

ولی داستان از آنجا جالب می شود که وی صحبت از فدرالیسم غیرقومی هم می کند. احتمالاً برای اینکه باز به همان ترتیبی که در اول مقاله عرض شد، مطلب را مبهم کند و همه طرف را راضی، بعد هم هر چه شد بگوید من منظور دیگری داشتم. اصلاً مگر می شود در مملکتی مثل ایران که اقوام بسیار دارد فدرالیسم غیرقومی درست کرد؟ اگر چنین کاری فرضاً در آمریکا شده به این دلیل است که مهاجران اولیه این کشور هویت قومی واحد و چشمگیری نداشتند. «اقوام» آمریکا همان سرخ پوست ها بودند که در نهایت سهمی جز چند منطقه محدود نصیبشان نشد. در ایران فدرالیسم غیر قومی تمام عیوب فدرالیسم را خواهد داشت و مدعیان حفظ حقوق اقوام را هم راضی نخواهد کرد. یعنی جامع تمامی عیوب خواهد بود.

اگر آقای نوری علا نگاهی به حوادث همان اول انقلاب می کرد که به همت گروه های چپ که مثل ایشان سر نترس داشتند و شعارهای خلق های ترکمن و عرب و گُرد

بقیه در ص ۴

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

فدرالیسم سبز و نو هم به بازار آمد

بقیه از ۳

سردادند، به یاد خواهد آورد که شاهد درگیری های خونین قومی بسیاری در این مناطق بودیم که منجر به دخالت حکومت مرکزی و در راس آن خمینی و سرکوب شدید مردم این مناطق و به باد رفتن سر بسیاری شد. برگشت به حقوق قومی و بعد تعبیر آن به خرده ملت و نادیده گرفتن حقوق شهروندی پایه دموکراسی را از اصل سست میکند. اگر قرار به پشتیبانی فرد در برابر تعرض دولت است باید نظارت و کنترل بر دولت را بیشتر کرد نه اینکه بر تعداد دولت ها افزود.

از مسئله آزادی گذشته فدرالیسم تنها راه برقراری عدم تمرکز نیست. چنانکه ما در سوئد شاهد اختیارات گسترده شهرداری ها یا مناطق (کمون های) مختلف هستیم، یعنی همان چیزی که پدران ما در مشروطیت به عنوان طرح انجمن های ایالتی و ولایتی عرضه کردند. این روش در جایی که اجرا شده چاره ساز بوده است. توجه کنیم که عدم تمرکز مشکل اداری است نه سیاسی ولی فدرالیسم روشی است سیاسی که نباید به عنوان راه (و بخصوص تنها راه) عدم تمرکز قلمدادش کرد. این دو به کلی با هم فرق دارد.

اما اسماعیل نوری علا که شاید چندان هم به فدرالیسم اختراعی خود دل نبسته است سرانجام به این نتیجه می رسد که گویا دوران دولت ها و ملت ها به سر آمده و چاره در ایجاد اتحادیه ای مانند اتحادیه اروپا است که ایران با کشورهای همسایه تشکیل بدهد و تبدیل به مرکز « اتحادیه آسیای غربی » بشود. ناگفته نماند در این میان چشمکی هم به هواداران داریوش فروهر که بقول ایشان بان ایرانیست های اصیل هستند زده باشد. باید گفت با توجه به دخالت امریکا در منطقه و بحران و جنگ و خونریزی باید قاج زین را بچسبیم اسب سواری پیشکشمان. اگر آقای اسماعیل نوری علا به عوض تأکید بر وجود مشترک و هویت ملی در پی تشکیل آن نباشد و برای خوشایند و جلب هر گروه و حزبی چشمکی نزند ما بیشتر شاکر خواهیم بود تا اینکه برای ما قصه فدرالیسم هفده شهر قفقاز و تاجیکستان و افغانستان با ایران را تعریف کند.

نتیجه ای که در نهایت از جمیع سخنان نوری علا می توان گرفت این است که وی کمر به تضعیف و احیاناً حذف دولت ایران بسته است و از دو سو آن را مورد حمله قرار داده. یکی از پایین و به اسم فدرالیسم غیرقومی و دیگر از بالا و به خیال پیدایش اتحادیه ای موهوم به سبک اتحادیه اروپا. اگر کسی دولت ایران را نخواهد چگونه می تواند مدعی طرفداری از دموکراسی بشود؟

بعد هم اینکه چه مرجعی قرار است سکولاریسم رنگی و نومی ایشان را در ایران تحقق ببخشد؟ اقوام قرار است چنین کنند یا آن اتحادیه ی ناموجود؟ حرفهای مد روز را به هم بستن و از این معجون مشی سیاسی ساختن راه به جایی نمی برد.

انگشت تدبیر ایشان با وجود تبلیغات و ادعای بسیار جز مخدوش کردن مفاهیم و آشفتن ترک کردن اوضاع کار دیگری نکرده است. ارائه نظریه های عجولانه و مبهم و

نظام سیاسی - اداری کارآمد و ...

بقیه از ص ۲

فردی و جمعی انسان اجتماعی مسئول تأمین و برابری آحاد ملت (مرد و زن)، یعنی پایه های اصلی دموکراسی تضمین شود و مردم هر منطقه و شهر بتوانند در عین حفظ تمامیت ارضی کشور، گیریم به تدریج و با آماده شدن بستر لازم، سرنوشت خود را در دست بگیرند و در رشد و توسعه متوازن و پیوسته کشور مشارکت فعال داشته باشند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش اساسی، در بخش چهارم ، در یک نگاه اجمالی اشاره ای به انواع نظام های سیاسی - اداری مطرح می کنیم تا ببینیم در شرایط ایران امروز کدامین مناسب است ، کارائی بهتری دارد و با ضایعات و مخاطرات کمتری همراه.

ابتدا، به طور خلاصه به تعریف نظام های سیاسی - اداری، متمرکز، بسیط با تفویض بخشی از خدمات و قدرت و اختیار تصمیم گیری به کارگزاران محلی (غیر متمرکز) و بالاخره نظام فدراتیو می پردازیم و ویژگی های عمده هر یک را بر می شماریم .

نظام متمرکز یا بسیط با قدرت و اختیارات برنامه ریزی و**تصمیم گیری مرکزی**

در نظام متمرکز کلیه تصمیم گیری ها با هدف یا به بهانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا حفظ نظم و وحدت ملی و تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه کشور از بالا و توسط قدرت مرکزی، حکومت مطلقه و تنها شخصیت به رسمیت شناخته شده دارنده حاکمیت گرفته

بقیه در ص ۵

گاهی چند پهلو با تصور این که بدینوسیله قادر خواهیم بود جمع هشت نفری خود را نه نفر کنیم جز آشفته کردن بازار و باز کردن راه برای سوء استفاده گران داخلی و خارجی و در رأس آن ها نومحافظه کاران آمریکا نتیجه ای نخواهد داشت و سرانجام این که برای مبارزه مشترک با حکومت مستبد دینی ما به وحدت ملی نیاز داریم نه کشمکش درونی .

مشکل آقای نوری علا این است که پرنسیب ها و اصول سیاسی خود را مشخص و روشن نمی کند. انداختن لغات تازه در معرکه بیشتر به تفرقه افکنی دامن می زند و عنوان کردن این که از طرح فلان مطالب نمی ترسم افتخاری نیست. آن چه در این میان به مخاطره می افتد استقلال و تمامیت ارضی ایران است. با وجود تمام کوششی که نوری علا می کند که در حوزه خاکستری حرکت کند و گزک به دست کسی ندهد چند حرکت خط کلی سیاست وی را روشن کرده از آن جمله معرفی رضا پهلوئی به عنوان نخ شاکله است که بازگشت استبداد سابق را نوید می دهد و همچنین حمایت پرحرارت از شخص معلوم الحالی که هوادار حمله آمریکاست. همه اینها حاکی از ختم شدن راه او به سیاست مشخصی است که نومحافظه کاران آمریکا تعقیب می کنند. این سیاست هم منافع هر کسی را ممکن است تحقق ببخشد بجز مردم ایران را.

حاکمیت مستقل بر پایه یک حکومت مردم سالار که توأم با عدالت و

پیشرفت باشد، هدف جبهه ملی است

شهرهای سرزمین شکل بگیرد و مردم محلی سرنوشت خود را در دست بگیرند.

دولت مرکزی توزیع ثروت ملی، حق قانونگذاری، برنامه ریزی های کلان اقتصادی و اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، ترابری و امور عمرانی و مانند آن در سطح ملی و همچنین سیاست پولی و مالی، سیاست و روابط بین المللی، سیاست دفاعی، منابع ملی و زبان ملی و در یک کلام اموری که به منافع ملی وابسته اند و آن هائی که در توسعه پایدار و متوازن کل سرزمین به سرمایه گذاری کلان نیاز دارند و نهادهای محلی قادر به انجام و حل و فصل آن نمی باشند را به عهده می گیرد و در امور راهبردی نقش ارشادی ایفا می کند. نمونه این نوع نظام را می توان در هلند، پرتغال و فرانسه مشاهده کرد.

برای نمونه، کشور فرانسه را در نظر بگیرید، کشوری که قرن ها به صورت متمرکز اداره می شده و در آن روابط عمودی و از بالا به پایین حاکم بوده. چرخه های اولیه نظام بسپت با تفویض اختیار به کارگزاران محلی در سال ۱۹۴۷ و پس از انتشار کتاب معروف گراو به^۱ تحت عنوان «پاریس و بیابان فرانسه» زده شد و نظام متمرکز سیاسی - اداری چند قرنی فرانسه را به زیر سؤال برد. از این مقطع، حرکت هائی در جهت تمرکززدائی و دادن اختیارات تصمیم گیری و اجرائی به مناطق شروع شد. ابتدا، در سال ۱۹۵۵ گسترش بناهای صنعتی در پاریس ممنوع شد و در سال ۱۹۶۳ داتار (نماینده دولت برای آمایش^۲ سرزمین و اقدام های منطقه ای^۳ زیر نظر نخست وزیر و مشارکت وزرای ذی ربط و با رسالت آمایش سرزمین تأسیس شد. در واقع، ایجاد این نهاد طراح و هماهنگ و متعادل کننده ی سیاست دولت گام مهمی بود در دیدن یک جای کل سرزمین فرانسه و برجسته کردن تفاوت ها، محرومیت ها و ضرورت آمایش سرزمین در آن. سپس در سال ۱۹۶۴ سازماندهی جدیدی در تقسیمات کشوری و ایجاد هشت متروپل تعادل به تصویب پارلمان رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد و متعاقب آن علاوه بر فعالیت های صنعتی، بخش هائی از خدمات اداری و آموزشی نیز به مناطق واگذار شد.

ادامه روند تمرکززدائی در فرانسه با فراز و نشیب هائی مواجه شد و مدتی به نوعی سرگردان بود (دهه ۸۰) تا اینکه نتایج سرشماری عمومی سال ۱۹۹۰ عقب ماندگی و فقر برخی مناطق، به ویژه بخش مرکزی فرانسه و عدم تعادل و توازن در سطح کشور و ضرورت آمایش سرزمین و محرومیت زدائی را بقیه در ص ۸

نظام سیاسی - اداری کارآمد و ... بقیه از ص ۲ می شود و توسط کارگزاران حاکمیت در کل سرزمین به اجرا در می آید. در این روش نیروهای محلی بکار گرفته شده کارمندان دولت مرکزی اند و مجری برنامه ها و دستورات مسئولان حکومتی مرکز نشین. این نوع حکومت ها گوناگونی انسان ها و اصالت و منافع فردی را نادیده می گیرند، به شکوفائی قوه ابتکار و خلاقیت مردم محلی توجهی ندارند، نارضایتی و ناهنجاری در جوامع محلی را تشدید می کنند، به شرایط اقلیمی و آب و هوائی، سنت ها، ارزش های مسلط جوامع محلی و فرهنگ های قومی، زبانی بهاء نمی دهند یا آن ها را ناچیزی می شمارند.

نظام متمرکز با دموکراسی ناسازگار است و بروکراسی را تقویت می کند. به رشد و توسعه پیوسته و متوازن و متناسب کل سرزمین کمتر بها می دهد و... از نمونه های بارز آن می توان به نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق اشاره کرد که در آن با برداشتی از تئوری «تمرکز دموکراتیک» همه امور در مرکز قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی می شده و برای اجرا به مناطق ابلاغ و تازه اجرای آن را نیز نمایندگان حزب کمونیست شدیداً کنترل می کرده اند. نمونه دیگر آن را در آلمان دوره هیتلری یا در ایران، سوریه و بسیاری از کشور های کمتر توسعه یافته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و... می توان دید.

نظام بسپت با تفویض بخشی از خدمات، قدرت و اختیار تصمیم گیری به کارگزاران محلی (غیر متمرکز)

تمرکززدائی گام مهمی ست در ایجاد دموکراسی و سپردن کار مردم به مردم، راهی ست قانونی برای کاهش و در نهایت جلوگیری از تجاوز قدرت مقام های مرکز نشین به مناطق. در این روش، همراه با تفکیک و توزیع واقعی قوای سه گانه کشور که می بایست انجام شود به تدریج نوعی تقسیم قدرت (به جز قانون گذاری) و مسئولیت با ساختار افقی شکل می گیرد تا شهروندان استان، شهرستان و شهر بتوانند خود مسئولیت اداره امور خود را بر طبق ضوابطی که مجلس ملی تصویب می کند بهعهده بگیرند. به بیان دیگر، تمرکززدائی تغییر در صلاحیت ها و اختیارات نهادهای محلی و پذیرش کاهش قدرت حکومت مرکزی و تفویض بخش هائی از اختیارات و مسئولیت ها به برگزیدگان محلی است. در این روش مجلس ملی، که بر پایه ضوابطی از نمایندگان برگزیده شهرها شکل می گیرد (برای نمونه، به نسبت جمعیت ساکن در هر شهر)، بادر نظر گرفتن عوامل کلان اقتصادی و منابع مالی سرزمین و سنت و فرهنگ محلی، شرایط جغرافیائی و اقلیمی، تمدن حضری و میزان شهرنشینی، میزان فقر و محرومیت، ظرفیت ها و محدودیت ها، امکانات و الزامات بر پایه شاخصی بخش هائی از اختیارات اجرائی و تصمیم گیری هائی، مانند گزینش نمایندگان شورای شهر و کارگزاران محلی، اخذ مالیات (نوع آن را قانون ملی تعیین می کند)، تعلیم زبان محلی در کنار زبان ملی و ارائه خدمات مورد نیاز، ساخت و سازها و نظایر آن را همگام با رشد فکری و بینش اجتماعی و توسعه اقتصادی استان ها، شهرستان ها و شهرها و مهیا شدن بستر لازم در فرایندی به برگزیدگان مردم محلی تفویض می کند. و با بسترسازی و آماده شدن بسترهای لازم بسط می یابد تا ساختار و روابط افقی در کل

^۱ - Gravier, Jean-François, Paris et le désert français: Flammarion

^۲ - آمایش؛ ساماندهی آمایش اسم مصدر آماي (آراینده)، به معنی هنر یا فن جای دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده نگری انسانها، فعالیتها، زیر ساختها و وسایل ارتباطی در خدمت انسانها در فضای کشور با در نظر گرفتن الزامات طبیعی، انسانی و اقتصادی می باشد. در معنای دیگر آمایش یعنی تخصیص جمعیت و فعالیت به نواحی گوناگون سرزمین که به عنوان هدف اصلی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور عنوان شده است.

^۳ - Comité Interministériel pour les problèmes d' action Régionale et d'Aménagement du Territoire

خبرهای داخلی

بهای دلار به مبلغ ۲۰۰۰ تومان رسید

بهای سکه طلا در بازار تهران به یک میلیون تومان، دلار ۲۰۰۰ تومان، یورو ۲۵۰۰ و یوند ۳۰۰۰ تومان رسید. در عرض یک ماه بهای دلار حدود ۶۰۰ تومان افزایش یافته است.

افزایش مرگ و میر در تهران

میزان مرگ و میر شهروندان تهرانی در پائیز امسال نسبت به نیمه نخست سال افزایش یافته است. این افزایش ناشی از عوارض قلبی و مغزی است که به آلودگی هوای تهران بستگی دارد

ایران، بزرگترین زندان روزنامه نگاران جهان

به گزارش کمیته حمایت از روزنامه نگاران، ایران بزرگترین زندان روزنامه نگاران برشمرده شده است. در حال حاضر ۱۷۹ روزنامه نگار در کشورهای مختلف جهان زندانی هستند. ایران با ۴۳ روزنامه نگار زندانی برای دومین سال پیاپی در مقام نخست فهرست بازداشت کنندگان جای دارد. به غیر از ایران، کشورهای اریتره، چین، میانمار و ویتنام قرار دارند.

پرشیان یا فارسی

در چند سال اخیر کاربرد صفت فارسی به جای پرشیان (Persian) در زبان انگلیسی متداول شده است. ما فارسی زبانان گاه ترکیبات غربی از این گونه به زبان انگلیسی در پیش می گذاریم:

BBC Persian section broadcast this item of news in its Farsi transmission.

Farsi speakers from the majority of students taking the GCSE Persian examination

هر انگلیسی زبانی که آگاه نباشد با خواندن این جمله ها تصور خواهد کرد که سخن از دو زبان متفاوت در میان است.

در زبان انگلیسی واژه پرشیان دارای مفاهیم عمیق فرهنگی و تاریخی است که می توان به ترکیباتی مانند Persian Empire و Persian literature اشاره کرد.

در ذهن یک انگلیسی زبان واژه «فارسی» ممکن است نام زبان فلان کشور ناشناخته یا نوپا را تداعی کند.

ما تأکید می کنیم که خلیج فارس - فارس است نه عربی - چنانچه زبان ما در خارج به جای پرشیان یا معادل های آن به «فارسی» معروف شود به اتکاء چه چیزی می توان آن خلیج را Golf Persian خواند؟

درگذشت ایرج گرگین گوینده پرسابقه

رادیو و تلویزیون

ایرج گرگین گوینده برجسته رادیو و تلویزیون ایران در سن ۷۷ سالگی در آمریکا چشم از جهان فرو بست. فقدان او درست یک سال پس از درگذشت برادر بزرگترش روانشاد محمود گرگین هموند دبیرای حزب ملت ایران اتفاق افتاد.

درگذشت روانشاد ایرج گرگین را به خانواده، دوستان و همکاران او صمیمانه تسلیت می گوئیم.

آزادی بیان

فردریک کبیر (Friedrich der Große)، که از سال ۱۷۴۰ تا ۱۷۸۶ بر کشور آلمان حکومت می کرد معتقد به آزادی اندیشه بود و رشد فکری مردم را در گرو آن می دانست. او یک روزسوار بر اسب با همراهانش از یکی از خیابان های برلین می گذشت، گروهی از مخالفان اعلامیه تند و تیزی علیه او بر دیوار چسبانده بودند. فردریک آنها را به دقت خواند و گفت: "بی انصاف ها چقدر اعلامیه را بالا چسبانده اند ماکه سوار اسب هستیم آن را به راحتی خواندیم ولی افراد پیاده برای خواندنش به زحمت می افتند. آن را بکنید و پایین تر بچسبانید تا راحت تر خوانده شود". یکی از همراهان با حیرت گفت: "اما این اعلامیه بر ضد شما و اساس امپراتوری است". فردریک با خنده پاسخ داد: "اگر حکومت ما واقعاً به مردم ظلم کرده و آنقدر بی ثبات است که با یک اعلامیه چند خطی ساقط شود همان بهتر که زودتر برود و حکومت بهتری جای آن را بگیرد، اما اگر حکومت ما بر اساس قانون و نیک خواهی و عدالت اجتماعی و آزادی بیان و قلم است مسلم بدانید آنقدر ثبات و استحکام دارد که با یک اعلامیه از پانفتند.

فرهنگ درخشان ایرانی، دستاورد تلاش همه ایرانیان
و جزئی از هویت آن ها است

خبرهای ورزشی

پیشنهاد جدایی اسکاتلند از انگلستان

مقام های مسئول اسکاتلند تصمیم دارند در سال ۲۰۱۴ برای جدا شدن از انگلستان یک همه پرسی برگزار کنند.

اسکاتلند در شمال جزیره بریتانیا قرار دارد و با مساحت ۷۹ هزار کیلومتر مربع یک سوم خاک جزیره را شامل می شود. جمعیت اسکاتلند ۵ میلیون و پانصد هزار تن و پایتخت آن شهر ایدنبورگ می باشد.

اسکاتلند دارای حکومت خودمختار است و با وجود آنکه بخشی از کشور انگلستان به حساب می آید، در سازمان ملل و نهادهای آن دارای کرسی جدا از انگلستان بوده و در برخی از فدراسیون های ورزشی جهانی به صورت مستقل شرکت می کند.

پیشنهاد برگزاری همه پرسی برای جدایی از انگلستان توسط نخست وزیر اسکاتلند که عضو حزب ملی است، مطرح شده است.

جالب اینجاست که دولتمردان انگلیس که در مورد کشورهای دیگر سنگ دفاع از آزادی، گردهم آبی های مسالمت آمیز و داشتن حق برگزاری همه پرسی برای جدا شدن را به سینه می زنند و با همین ترفند موفق به جدایی سودان جنوبی از کشور سودان شدند، به شدت با طرح برگزاری همه پرسی برای جدایی اسکاتلند مخالفت می کنند. در این مورد سران احزاب حاکم همانقدر مخالف هستند که احزابی در اقلیت قرار دارند.

واکنش همگانی گردانندگان سیاسی انگلستان در مورد احتمال جدا شدن اسکاتلند از این کشور، این ضرب المثل معروف را تداعی می کند که: «مرگ خوب است ولی برای همسایه.»

اسکاتلند و انگلستان تا سال ۱۷۰۷ دو کشور با نظام پادشاهی مستقل بودند و در تاریخ یکم ماه مه ۱۷۰۷ طی توافق نامه هایی با هم متحد شده کشور پادشاهی بریتانیا را بوجود آوردند.

درگذشت قهرمان سابق کشتی جهان

عبدالله مجتبیوی قهرمان سابق کشتی ایران در سن ۸۷ سالگی در تهران درگذشت.

روانشاد مجتبیوی در مسابقه های کشتی المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی (فنلاند) به عنوان فنی ترین قهرمان شناخته شد.

عبدالله مجتبیوی پهلوان وزن پنجم کشتی ایران پیش از محمد علی فردین و نبی سروری قهرمانان جهان بود.

درگذشت عبدالله مجتبیوی را که افزون بر پهلوانی در ورزش پهلوان اخلاق نیز بود، به جامعه ورزشی ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم.

ایران قهرمان تیراندازی باکمان آسیا

در مسابقه های تیراندازی باکمان قهرمانی آسیا که در تهران برگزار شد، تیم ایران با ۲ نشان طلا و دو نقره به مقام قهرمانی آسیا رسید. در این مسابقه ها تیم کره جنوبی و ژاپن به ترتیب دوم و سوم شدند.

مسابقه های دوچرخه سواری زنان و مردان آسیا

۱۳ نشان طلا، نقره و برنز برای ایران
در مسابقه های دوچرخه سواری جام آسیا که در مالزی برگزار شد، دوچرخه سواران ایران موفق به کسب ۵ نشان طلا، ۵ نقره و ۳ برنز شدند و به مقام نخست مسابقه ها دست یافتند. در این مسابقه ها تیم دوچرخه سواری هنگ کنگ به مقام دوم رسید و تیم دوچرخه سواری مالزی سوم شد.

جواز شرکت در المپیک

شرکت محمد رضا رودکی کاپیتان تیم ملی جودوی ایران در مسابقه های جودوی المپیک سال ۲۰۱۲ لندن قطعی شد.

حدادی بهترین پرتابگر آسیا

احسان حدادی که برای نخستین بار نشان برنز دو میدانی جهان را برای ایران به ارمغان آورد، به عنوان بهترین پرتابگر آسیا در سال ۲۰۱۱ شناخته شد.

از طرف گروه ندای گلها

گلی زیباتر از ایران ندیدم

همیشه دوستدار این دیارم
شکوه و افتخارش خواستارم
برای سرفرازیهاش شادان
برای نامرادی هاش گریان
زمانی که بدورم از کنارش
دل‌م نالان و چشمان اشکبارش
بگردم کوه به کوه هر آشیانه
بسان مرغک گم کرده لانه
دل‌م سوبش کشان هر لحظه بی تاب
فراق از دوستان، چشمان بی خواب
بدیدم شهر و کشورهای زیبا
چه گویم دل نشد راضی از آنجا
بدیدم مردمان پاک و صادق
همه درد آشنا و خوب و لایق
نشد وصل دل‌م آن حسن و یاری
نرفت ایندل به راه دل سپاری
بهر گلزار و بوستانی رسیدم
گلی زیباتر از ایران ندیدم
بدانید دوستان یاران رفقیان
غرور و اعتبار ماست ایران
شود فرسوده از آزدگی ها
نگیرد دامنش آلودگی ها
بماند نام و یادش بر زبان ها
سرافراز و هنرمند و توانا

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی و
جهانگیر لقائی هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار
می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

نظام سیاسی - اداری کارآمد و ... بقیه از ص ۵
دوباره تأیید و برجسته کرد و به تفکر ضرورت تمرکززدائی و
ایجاد تعادل و توازن در سطح کشور جان تازه ای بخشید. در
سال ۱۹۹۵ قانون آمایش سرزمین و توسعه سرزمین با ۵۲
عضو از نمایندگان مجلس، نمایندگان مناطق، پایدار به
تصویب مجلس رسید و شورای ملی آمایش و توسعه سازمان
های صنفی، کارگری و کارفرمایی، شوراهای اقتصادی و
اجتماعی مناطق، نمایندگان فعالیت های فرهنگی و ورزشی،
اشخاص صاحب نظر و با ذریب در دبیرخانه داتار و به ریاست
نخست وزیر و یا وزیر آمایش سرزمین شکل گرفت.
برپایه این قانون، قاعدتاً دولت مرکزی دیگر یکه تاز در
عرصه سرزمین نیست بلکه مسئول تهیه و تدوین سیاست
های کلان اقتصادی و اجتماعی سرزمین و ضامن اجرای این
سیاست ها و همبستگی ملی است و مناطق (استان ها)،
دپارتمان ها (شهرستان ها) و کمون ها (بخش ها) در برنامه
ریزی و اجرای برنامه های توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی
در منطقه خود نقش پررنگی دارند. استنادار به عنوان
نماینده دولت مرکزی سیاست های ملی، هماهنگی ها و
جهت گیری های لازم را انجام می دهد.

درست است که در دوره هائی، مثلاً در دولت سارکوزی
نقش مناطق قدری کم رنگ شده و نظام کمی بسوی متمرکز
میل کرده و شاید همین امر موجب شده که برخی از صاحب
نظران نظام سیاسی - اداری فرانسه را «متمرکز دمکراتیک»
(نه از نوع اتحاد جماهیر شوروی سابق) می دانند. ولی در
همین شرایط نیز کارگزاران منتخب مردم نظیر نمایندگان
مجلسین در برنامه ریزی های ملی، منطقه ای و محلی و رشد
و توسعه پایدار و متوازن سرزمین نقش پررنگی داشته اند و
برگزیدگان محلی (شهردارها، اعضای شورای شهر و شورای
استان) در رشد و توسعه استان، شهرستان یا بخش خود از
اختیارات تصمیم گیری و اجرائی نسبتاً وسیعی برخوردارند و
طبق قوانین و مقررات تفویض شده شهروندان در تأمین
منابع مالی سهم می پردازند. مثلاً برای ساختن راه فرعی و
ایجاد یک خط اتوبوس در یک استان تنها ۲۹ درصد بودجه
لازم را دولت مرکزی و ۴۵ درصد را استان و ۲۶ درصد
باقیمانده را شهرستان و بخش مربوطه تأمین کرده و
پرداخته اند.

بنابراین می توان گفت که در این کشور به مقدار زیادی
نظام غیر متمرکز پذیرفته شده و جا افتاده است. اما اگر، با
کمی اغماض نظام فدراتیو را بالاترین درجه تمرکززدائی
بدانیم ساختار نظام سیاسی - اداری فرانسه هنوز راه زیادی
را باید طی کند تا به نظام بسیط با تقسیم قدرت و اختیار به
مقامات محلی مانند سوئد، نروژ و دانمارک و یا به فدراتیو
نظیر آلمان یا امریکا تبدیل شود.

همبستگی و پایداری تاریخی اقوام ایرانی در لوای حاکمیت مردمی،
هدف جبهه ملی است